

فلسفه تحلیلی راسل:

از جنبش های معاصر در فلسفه است و دلایل پیدایش آن عبارتند از رویارویی و تقابل با نظام های فلسفه بلدپروازانه و کلی نگر و همچنین پیشرفت علم که باعث شد فلسفه تحلیلی بوجود آید. بنیانگذاران این نوع فلسفه بیشتر انگلیسی هستند

دیدگاه های مشترک فیلسوفان تحلیلی:

- ۱- علاقمندی به بررسی منطقی زبان و اینکه زبان مبتنی بر چه ساختاری است و چه کارکردهایی دارد.
- ۲- معتقد بودند کلمات برای ما ابزاری هستند برای بیان منظورمان و ما خواسته هایمان را در قبال بیان کلمات ابراز می داریم و آن ها به دنبال قواعد کاربردی و زیربنایی زبان بودند
- ۳- معتقدند فلسفه موضوع واقعی ندارد و برای فیلسوف دو وظیفه تحلیل مفاهیم مورد استفاده در علوم مانند هوش، شیمی، اضطراب و... و نشان دادن معنی داری و بی معنایی آن ها را قایل شدند.
- ۴- معتقدند معرفتی بنام فلسفه نداریم و فلسفه خدمتگزار علم است و باید مفاهیم را تحلیل و به روشنگری مفاهیم مورد استفاده در علوم پرداخت
- ۵- برخی فیلسوفان تحلیلی به مطالعه و تحلیل زبان علم و برخی به زبان عادی پرداخته اند

رویکرد نظری اثبات گرایی منطقی در فلسفه تحلیلی:

- ۱- به این معنی است که در بررسی و تحقیقات تنها به بررسی پدیده هایی می پردازیم که خودشان را به ما نمایش می دهند و در معرض دید هستند یا به عبارت دیگر پدیده هستند نه ندیده. بنابر این ما تنها می توانیم در امور به تحقیق بپردازیم که تحت یک پدیده برای ما قابل رویت باشند
- ۲- گزاره ای درست است که امکان صدق و کذب آن از طریق بررسی تجربی قابل انجام باشد یا به عبارت دیگر آزمون پذیر یا کذب پذیر باشند. و به عبارت دیگر معتقدند که گزاره هایی مورد قبول است که قابل رد یا اثبات تجربی باشند. این گزاره ها عبارتند از گزاره های تحلیلی که این همانی هستند و موضوع واقعی ندارند و گزاره های ترکیبی که درستی یا نادرستی آن ها از طریق بررسی

تجربی می توان سنجد و به انها گزاره های پسینی یا متاخر از تجربه می گویند یعنی صحت و درستی آن ها بعد از تجربه درست می شود. سقف معرفت انسان یا تجربی است یا اثباتی.

دیدگاه های تحلیلی راسل:

- ۱- از آنجاییکه زبان ما مبهم است و معانی مفاهیم معلوم نیست دچار سوء تفاهم می شویم و چون زبان معانی متفاوتی دارد لذا ریشه بسیاری از مشکلات به زبان بر می گردد
- ۲- زبان آینه واقعیت است که در ذهن انسان درونی می شود و برداشت ما از دنیای بیرون در قالب کلماتی است که هر کس یک توصیف از واقعیات را دارد
- ۳- زبان آینه تفکر است و ما تفکرمان را در قالب زبان می اندیشیم و در قالب کلمات فکر می کنیم. زبان تفکر درونی شده ماست. هر تفکر سطح بالا، به زبان بستگی دارد و ما تفکر خود را هم در قالب کلمات و زبان توسعه می دهیم و هم بیان می نماییم
- ۴- چون می توان با زبان کلمات بازی کرد و واقعیت را خلاف واقعیت نمود لذا بسیاری از گرفتاری های بشر امروزی از زبان است. نیستی بخشی از هستی است چون می توان در باره نبودن یا نیستی سخن گفت
- ۵- زبان ابهام دارد و به دلیل کژکاردهای زبان و ابهامی که دارد عرفان، فلسفه و دین هم می توانند زمینه گمراهی انسان باشند. راسل به کاربرد زبان معترض است و می گوید در فلسفه حرف هایی زده می شود که از فهم عوام بالاتر است. فهم و عقل ما باید راهنمای ما باشد وگرنه انسان سطحی می شود.
- ۶- اخلاق مسیحی اخلاق والایی است اما نمایندگان کلیسا، نمایندگان اخلاق مسیح نیستند

آرای تربیتی راسل:

- ۱- تربیت کلید جهان نو است. راه حل مشکلات بشری جنگ نیست بلکه روی آوردن به تعلیم و تربیت صحیح و اصیل انسانی است
- ۲- همه نقص ها و ضعف های آدمی از تربیت ناصحیح است و هدایت و کمال آدمی به واسطه تربیت امکان پذیر است.

- ۳- چگونگی جهانی که ما در آن زندگی می کنیم به چگونگی انسان ها بستگی دارد و چگونگی ما نیز به چگونگی تربیت ما بستگی دارد. پس تربیت کلید فهم جهان است
- ۴- انسان هنگام تولد نه خوب اسیت و نه بد. انسان یک نیروی غریزی دارد که شرایط محیطی و تربیت آن را شکل می دهد
- ۵- ما انسان ها از رنج دیگران باید رنج ببریم و از شادی آن ها شاد شویم
- ۶- هوش انسان اگر بخواهد پرورش یابد ۴ ویژگی دارد که عبارتند از کنجکاوی، گشاده ذهنی، سخت کوشی و تمرکز و دقت
- ۷- بنیاد یک منش خوب ۴ ویژگی دارد که عبارتند از: انسانی شاداب و سرزنده، جرات و دلیری، همدلی و همدردی با دیگران، هوشمندی در امور
- ۸- تنبیه کار نادرستی است و موجب نابسامانی روانی فکری فراوان برای فرد می گردد
- ۹- اجازه فعالیت آزاد به کودکان داده شود و محیط را برای آن ها جذاب کنیم
- ۱۰- پرورش حس کنجکاوی باید جایگاهی در تربیت داشته باشد